

یادداشت

دولت چهاردهم جالش‌های مرزی را جدی بگیرد^(۳)

لزوم درک واقعیت‌های امنیتی-سیاسی شرق و شمال غرب کشور



سیدعلی موسوی خلخالی

روزنامه‌نگار وکارشناس ارشد سیاست خارجی

در دو یادداشت قبل درباره بحران‌های موجود در روابط ایران و غرب و نقش اسرائیل در آن گفته شد. ذکر شد که اسرائیل همه تلاش خود را کرده است تا اولویت ایران شود و تهران به تعامل با آن مجبور شود و اکنون نمی‌خواهد به‌احتی از این مسئله بگذرد. برای همین در هرگونه توافق میان ایران و غرب قطعاً اسرائیل به دنبال منافع خود می‌گردد و اجازه نمی‌دهد بدون توجه به منافعش میان ایران و غرب توافق انجام شود. به عبارتی دیگر تمام تلاش خود را خواهد کرد تا غرب به سمتی نرود تا آنچه در سال ۲۰۱۵ روی داد و به برجام انجامید، مجدداً میان ایران و غرب تحقق یابد. اما از این موضوع که بگذریم، ایران با جالش‌های جدی دیگری ریز رویه‌روست. جدی‌ترین جالش پیش‌روی ایران مشکل نامنی در مرزهای شرقی کشور است. بعد از سقوط کابل و به قدرت رسیدن طالبان، سیل عظیمی می‌مهاجران روانه کشورمان شدند که بی‌شک مشکلات مهم امنیتی برای ما ایجاد کرده‌اند. البته منظور این نیست که حضور اتباع افغانستانی در ایران فی نفسه تهدید است، بلکه منظور این است که حضور بی‌ضابطه و خارج از کنترل آن دسته از اتباع افغانستانی که خود مولد نامنی هستند، می‌تواند برای ایران مشکل ایجاد کند. این دسته از افغانستانی‌هایی که سوابق نظامی و امنیتی دارند و با آمدن به ایران می‌توانند در داخل کشور دیاسپووری علیه منافع ملی، فرهنگ عمومی و ساختار امنیتی-اجتماعی ما ایجاد کنند و برای کشورمان مزاحمت عمومی و امنیتی ایجاد کنند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی روستاهای شرقی کشور ما تماماً در کنترل اتباع افغانستانی درآمده است. اگرچه بخشی از مسئولیت این موضوع برعهده وزارت کشور است اما مسئولیت بخش دیگری از آن نیز به وزارت امور خارجه بازمی‌گردد که در تعامل مداوم با دولت حاکم بر افغانستان باید برای اتباع افغانستانی که خارج از ضابطه و به طور قاچاق وارد خاک کشورمان شده‌اند و در مناطقی به‌ویژه استان‌های شرقی، مشکلاتی را به وجود آورده‌اند، فکری کند و تا ادامه این وضعیت جلوگیری کند. در دو سال گذشته ما شاهد حوادث تلخ تروریستی در استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خراسان، فارس و کرمان بوده‌ایم که عامل اصلی آن کسانی بودند که از طریق افغانستان به داخل خاک کشورمان نفوذ کردند و مسبب آن حوادث تلخ شدند. ایران باید ضمن ایجاد محدودیت برای ورود اتباع غیرقانونی به داخل کشورمان از مرزهای شرقی، دغدغه‌های امنیتی خود را نیز به کشورها، به‌ویژه آسیای شرقی، مشکلاتی را به دغدغه‌ها آنها را تحت فشار نگذارد. درین‌حال با پاکستان، دیگر همسایه شرقی‌مان که در سال‌های اخیر گسترش روابط خوبی را با آن شاهد بوده‌ایم، به تعاملات سازنده و عمیق‌تر وارد شود و همکاری‌ها با آن در همه حوزه‌ها را گسترش دهد. موضوع دیگری که می‌تواند دستگاه دیپلماسی کشور را تحت فشار بگذارد، بروز جنگ در مرزهای شمال غربی کشور است. هنوز اختلافات جمهوری آذربایجان و ارمنستان حل نشده و هر آن احتمال بروز جنگ میان دو کشور وجود دارد. البته اقدامات خوبی برای توقف درگیری‌ها از طرف باکو و ایروان انجام شده اما اختلافات به گونه‌ای عمیق است که هر آن احتمال توقف پیام‌های صلح‌طلبانه و اتخاذ رویکرد خصمانه از سوی دو طرف وجود دارد. ایران نسبت به مرزهای خود با ارمنستان حساس است و این حساسیت را در مناسبت‌های مختلف به طرف‌های ذی‌ربط منتقل کرده است، اما برخی از طرف‌های خارجی با حساسیت‌های ایران را درک نمی‌کنند یا نمی‌خواهند درک کنند، و هر دفعه که احساس کرده‌اند ایران در موقعیت ضعف قرار گرفته‌اند تلاش کرده‌اند این حساسیت‌های ناانديده بکینزد و مجدداً خواسته‌های خود را بی‌توجه به هشدارهای ایران پررنگ کنند؛ ازجمله این موضوعات کریدور زنگزور است که ایران آن را خط قرمز خود دانسته و مخالفت صریح خود را با آن اعلام کرده و در مقابل کریدور ارس را پیشنهاد داده است. جمهوری آذربایجان با پشتوانه ترکیه، عضو مهم ناتو، بارها تلاش کرده که حساسیت‌های ایران را نادیده بگیرد و هر بار این موضوع را پررنگ کند. آذربایجان هر وقت احساس کرد ایران در موضع قدرت است و به آن فشار می‌آورد، دالان زنگزور را به کناری می‌گذارد اما همین که احساس می‌کند ایران در موضع ضعف است یا در مقطعی توجهی به این موضوع ندارد یا کشوری قدرتمند را می‌تواند پشت سر خود بیابد تا مجدداً این موضوع را مطرح کند، دوباره زنگزور را روی میز می‌گذارد، مانند اتفاقی که به‌تازگی در سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، به باکو رخ داد و سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، ادعا کرد که تنها مخالف راه‌اندازی دالان زنگزور ارمنستان است، دیپلماسی ایران در برابر مسئله فریب‌ناپذیر باید به گونه‌ای باشد که جزئی از مشکل نباشد درعین‌حال که منافعش از طرف کشورهای ذی‌ربط تأمین و مصالحش در نظر گرفته شود. در یک سال اخیر و بعد از حمله به سفارت آذربایجان در تهران که به تیرگی شدید روابط ایران و آذربایجان انجامید، دولت شهید رئیسی و شخص شهید امیرعبداللّه‌جان، وزیر امور خارجه سابق کشورمان، تلاش‌های بسیاری را برای حل این مشکل انجام دادند و سعی وافری کردند تا اختلافات حل نشود و تهران و باکو مجدداً به مسیر همکاری و دوستی و حسن هم‌جواری بازگردند. در سایه این مناسبات ایران توانست تا اندازه‌ای نگرانی‌های آذربایجان را رفع کند و باکو را به قبول حساسیت‌های تهران مجاب کند. در روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت چهاردهم سفارت آذربایجان در تهران بازگشایی شد. درحال‌حاضر روابط دو کشور محتاطانه رو به گسترش است. دیپلماسی دولت چهاردهم باید فرصت را غنیمت شمرده و اجازه ندهد دوباره روابط دو کشور تیره شود. دولت چهاردهم باید وضعیت حساس فریب‌ناز را در نظر داشته باشد و با درایت اوضاع جاری در آنجا را مدیریت کند. درحالی‌که اسرائیل و ناتو حضوریی فعال در این حوزه دارند و هر دو در هر دو کشور ارمنستان و آذربایجان حضوری تأثیرگذار دارند، باید هوشیاری بالایی به خرج داد و اجازه نداد که وضعیتیی پیش بیاید که قره‌باغ به بحرانی برای ایران تبدیل نشود؛ بحرانی که بی‌شک هم ناتو و هم اسرائیل برای ایجاد آن مشتاق هستند.

یادداشت

میانجی‌های محوشونده*

پزشکان قیام قرار است نگذارد وضع از این که هست بدتر شود و شرایط را برای تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدی‌تر فراهم کند. او به معنای دقیق کلمه، میانجی محوشونده است. آنچه عیان نیست، این است که در سال‌های پیش‌رو چه وقایعی رخ خواهد داد. آیا او به اجبار طرفایان نقش دیگری برای خود برخواهد کرد؟

* مفهوم «میانجی محوشونده» از یژیک است و در این یادداشت از تفسیر آدم کونتسکو در کتاب «یژیک و الهیات» (ترجمه امیررضا گلایی، نشر نی) وام گرفته شده است.

داوود حشمینی؛ خطر تفکر «متحجرانه» و «خالص‌ساز» که در دو انتخابات اسفند ۱۴۰۲ و بهار ۱۴۰۳ به صورت عریان در سیاست خودش را نشان داد، حالا ظاهراً بعد از شکست در انتخابات، به دنبال برهم‌زدن «نظم و آرامش» کشور است. خطری که پیش‌تر بارها در «شرق» ریشه‌ها و ذی‌نفعان آن را برشمردیم و حالا این تنها ما نیستیم که این خطر را احساس می‌کنیم؛ جریان‌های درونی اصولگرایان نیز به این خطر پی برده‌اند. چه اتفاقی افتاده که حالا علیرضا پناهیان نسبت به رفتارهای دوقطبی‌ساز هشدار می‌دهد و در اتفاقی نادر، سایت مشرق‌نیوز درباره «تکرار دوباره دهه ۶۰ و روزهای تلخی که بنی‌صدر برای کشور ساخت؛» مقاله می‌نویسد؟ عجیب‌تر اینکه آدرس و اهداف آنها را با طرح یک سؤال این‌گونه مشخص می‌کند: «بربادادن میراث شهید رئیسی توسط «دوقطبی‌سازان» چه اهدافی دارد؟». بهانه ماجرا، سخنرانی پناهیان و حملاتی بود که جریان نزدیک به جلیلی و دولت سیزدهم به‌ او انجام داد. اما این تنها یک بهانه بود. ریشه‌یابی این ماجرا نشان می‌دهد اختلاف در درون جریان موسوم به انقلابی بسیار فراتر از آن است که تصور می‌شود. ریشه‌ای که به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد و در تمام این سال‌ها قربانیان زیادی ازجمله هاشمی‌رفسنجانی، ناطق‌نوری، علی لاریجانی و حتی احمدی‌نژاد را از جریان انقلاب گرفته است. این بار تذکر خطرناک‌بودن این تفکر نه از جانب جریان اصلاحات، بلکه از درون خود اصولگرایان شنیده می‌شود.

تذکری برای دوقطبی

از میان برداران پناهیان، «علیرضا» شهرت بیشتری دارد، اگرچه «احمد» در دوره حسن روحانی حرف‌های تندی‌تر را مطرح می‌کرد. هر دو برادر از واعظانی هستند که از سال‌های دهه ۸۰ در میان جریان انقلابی و اصولگرا، سخنرانی‌های تندی را برای هواداران ضداصلاحات ایراد می‌کردند. علیرضا پناهیان اخیر در مراسم شهادت امام رضاح) در حضور مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف تذکری داد که اردوگاه انقلابی‌ها را به هم ریخت. او از شکل‌گیری دوقطبی‌ها گلایه کرده و به صورتی کلی گفته بود: «روزنامه‌هایی که با خرج دولت ساخته و پرداخته می‌شوند، از کیهان گرفته تا اطلاعات از هر جمهوری اسلامی گرفته تا هر جمهوری غیراسلامی‌ای، حق ندارند دوقطبی بازی کنند». این حرف‌ها به مذاق جریان انقلابی خوش نیامد. کیهان در حالی که در تعطیلات به سر می‌برد و روزنامه منتشر نمی‌شد، در کانال تلگرامی و آنلاین خود به آن واکنش نشان داد. نویسنده کیهان حرف‌های پناهیان را «بی‌دقتی» و «سخنان ناروا» خوانده و نوشته بود: «این خطیب محترم دچار خطای تشخیص شده و به سمت جهت‌های غلط گامگذاشته است. از نگاه کیهان، آنچه صورت گرفته دوقطبی‌سازی نیست، بلکه تقابل دو جریان «تبیین» و «تحریف» است. بخش آنلاین این روزنامه در یادداشت دیگری نوشت: «سخنان پناهیان را نادیده می‌گیریم؛ به آن اهمیتی نمی‌دهیم». آنها به پناهیان یادآور شدند «سخنان اخیرش را که در تبلیغات مشابه رسانه‌های بیگانه علیه کیهان مقایسه کرد، اگر تفاوتی در آن دید، ما در هم بی‌خبر نگذار». همچنین تذکر داد که «از این راه بازمی‌گردیم». سرشاخه‌های مجازی مرتبط با یک «مؤسسه به‌ظاهر مذهبی» که در جریان انتخابات مجلس گذشته اسناد مالی صد میلیون‌ری آ افشا شد نیز حمله به پناهیان را آغاز کردند. جریان حامی دولت سیزدهم هم وارد این فضا شد؛ ازجمله حمید رسایی در تویییت نوشت: «اشتباه نکنید؛ ما دوقطبی‌ای ای‌بمل نیستیم، بلکه ایجاد دوقطبی در جریان حق، باطل است. دوقطبی کاذب، ایجاد تقابل بین اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، چپ و راست، تندرو و میانه‌رو است. دوقطبی واقعی که باید حفظ شود، ایجاد تقابل

گزارشی از مواجهه اصولگرایان در محفلی با حضور پزشکیان و قالیباف با دوقطبی‌سازهای موصوف به انقلابی

در دسر دوقطبی‌سازها



بین سازش و مقاومت، رفاه‌طلبی و مبارزه، فقر و غناست. فتنه خط قرمز هبزی و تقابل با آن تکلیف است. اشتباه نکنید؛ رسانه‌هایی مثل کیهان دنبال دوقطبی واقعی هستند». همچنین او با انتشار ویدئویی از سخنان رحیم پورازغدی نوشته بود: «همه خوبن، دوقطبی نکنید! خطی که معاویه ترویج می‌کرد… قابل توجه یک عده افرادی که تا حرف می‌زدیم میگن دوقطبی نکنید». قبلاً از آن حرف‌های جاکفش و واکنش‌ها نشان می‌داد کدام جریان بحث «دوقطبی» را به ضرر خود تعریف کرده و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهد. اما مسئله در جایی شدت گرفت که وب‌سایت مشرق‌نیوز، در حمایت از پناهان و قالیباف وارد شد و تذکر داد که این رفتارها بازتولید دوقطبی‌سازی جریان سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در دهه ۶۰ است که در نهایت منجر به ایستادن مقابل ولایت فقیه می‌شود.

ریشه‌های اختلاف

ریشه‌های این اختلاف به سال‌ها قبل و دهه ۸۰ بازمی‌گردد. اما اگر قرار باشد بهانه‌های اخیر را به ترتیب دنبال کنیم، به فهرست زیر می‌رسیم: اول، حرف‌های پناهیان در حضور پزشکیان و قالیباف در مذمت دوقطبی‌سازی. قبلاً از آن حرف‌های قالیباف که گفته بود: «برخی را می‌بینم که قلب‌شان راضی نیست دولت موفق شود. کمین‌کردن برای شکست دولت خلاف رضایت حضرت آقااست». قبل از این حرف‌ها، مسئله رای اعتماد کل کابینه پزشکیان از مجلسی که فکر می‌کردند در اختیار خودشان است، قبل‌تر از آن، رای آوردن پزشکیان در انتخابات ۱۵ تیر و حتی شاید قبل‌تر از این، مسئله تأیید صلاحیت پزشکیان در انتخابات که از جمهوری اسلامی گرفته تا هر جمهوری شکست می‌کند، اساساً قابل هضم نیست. اما واقعیت این است که ریشه‌های این ماجرا را باید در گذشته دورتر و در سال‌های پس از جنگ یا حتی در میانه دهه ۶۰ جست‌وجو کرد. بااین‌حال، آنچه به صورت مدون درباره این موضوع شرح دادیم، همان است که یک روز قبل از انتخابات دور اول ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ در «شرق» ذیل عنوان «چرا رقابت قالیباف و جلیلی مهم است» چاپ شده است. در جای دیگر* منتشر شد. در آن مقاله، با اشاره به روند برآمدن احمدی‌نژاد نوشتیم: «احمدی‌نژاد درواقع نماینده طیفی از جریان برآمده از نظامیان بود که اصولگرایان سیاسی دهه دوم انقلاب را قبول نداشتند. آنها طیف جوان‌تر نظامیان بودند که می‌خواستند از کسانی که سابقه بیشتری نسبت به آنها داشتند، عبور کنند» (شرق، ۷ تیر ۱۴۰۳). درواقع اختلافی که امروز به درجه حد خود رسیده، ریشه‌های همان اختلاف است.

آرمان‌خواهی متعصب

حرف آنها این است که معنای «وفاق ملی» که امروز بیان می‌شود، درواقع «حذف آرمان‌خواهی» است. صادق شهبازی از افراد نزدیک به جلیلی، در یادداشتی توضیح داده است: «تلاش مشترک آمریکا –ضد انقلاب- غرب‌گرایان اصلاح‌طلب/ اصولگرا –محافظه‌کاران- باند قدرت، اشراف و برخی کنترل‌چی‌ها

گزارش «شرق» از تلاش پوتین برای مطرح‌شدن دوباره دالان زنگزور

تهدید ژئوپلیتیکی ایران

برای بی‌تفاوت، منفعل یا منحرف‌کردن آرمان‌خواهان (انقلابی‌ها، عدالت‌خواهان و…) در نهایت، تضعیف، استحاله از درون، پیش‌بینی‌پذیر، ضربه‌پذیر و کنترل‌پذیر کردن نظام را نشانه رفته است». اما در نقطه مقابل، جریانی که نماینده آنها قالیباف بود، در گزارشی تند در مشرق‌نیوز به نقد این جریان پرداخته و معتقد است رفتار آنها یادآور رفتار سازمان منافقین است. مشرق‌نیوز با یادآوری یک سرمقاله تاریخی در روزنامه جمهوری اسلامی آغاز می‌کند که در زمستان ۵۹ منتشر شده بود. سرمقاله‌ای که تأکید می‌کرد بنی‌صدر و سازمان‌های خلق، قادر به کارکردن و «موفقیت رجایی» نیستند. مقاله مشرق‌ین‌وز آغاز می‌شود: «باییز سال ۱۳۵۹ روزنامه انقلاب اسلامی که توسط بنی‌صدر و همراهانش اداره می‌شد، در سرمقاله خود نوشته بود که کارکردن با رجایی از ایستادن در جهنم نیز سخت‌تر بوده و سخت‌سری چون او کشور را به سمت نقطه‌ای می‌برد که امکان بازگشت از آن سخت است». این یادآور همان حرف‌هایی است که قالیباف اخیراً این‌گونه بیان می‌کرد: «برخی را می‌بینم که قلب‌شان راضی نیست دولت موفق شود. کمین‌کردن برای شکست دولت، خلاف رضایت حضرت آقااست». سازمان مجاهدین خلق هم معتقد بود «آرمان‌خواه» است. در این راستا، آنها ادعا می‌کنند که حاضر بوده (و حتی حاضر هستند) برای رسیدن به آرمان‌هایشان، جان و جوانی‌شان را هم هزینه کنند. از حد مل‌تفکر بود که از مردم جدا شدند و سال‌ها در ایران در «خانه تیمی» یا در «پادگان اشرف» و «کمپ لیبرتی» سبری کردند. همچنان که برخی از آنها امروز مدعی هستند «آرمان‌خواه» هستند و حاضرند به خاطر «آرمان‌هایشان هزینه‌پردازانه».

تبدیل اختلاف به تعارض و نزاع

در روزگار دهه ۶۰، سازمان‌هایمدین خلق (منافقین) خود را آن‌گونه انقلابی می‌دانست که شهیدان رجایی و بهشتی و اعضای حزب جمهوری را کسانی معرفی می‌کرد که در حال «واداگی» و عبور از «انقلاب اسلامی هستند». گزارش مشرق‌نیوز به رفتارهای دهه ۶۰ اشاره کرده و هدف منافقین را «تبدیل تعارض‌ها و رقابت‌های سیاسی به جداتوتبیین» خوانده و نوشته است: «خطری که این روزها و در پس حواکاتوتبیین» وجود داشت، این جریانی که امروز احساس دهه‌شصتی نیست، همین اتاناکونیستی است که از دل آن تلاش می‌شود یک فرانت بر دیگری برتری یافته و سایرین را حذف کند. نکته مهم اما اینجاست که گزارش مشرق‌نیوز مشخصاً سراغ کسانی رفته که خود را «میراث‌دار شهید رئیسی» می‌دانند و با همین عنوان مشغول دوقطبی‌سازی هستند: «این وضعیت تا جایی پیش رفته که برخی با ایجاد قالیباف و دولت شهید رئیسی» و سایرین می‌گویند با تکیه روی اصل هواداری متعصبانه، رقبای سیاسی خود را از میدان بیرون کنند. این رفتار خطرناک و پررتکار تاریخی عاقبتی جز خدشه واردکردن به اصل وحدت از یک سو و ایستادن در برابر «ولایت فقیه» در سوی دیگر ندارد». در نهایت هم هشدار می‌دهد: «در این زمینه آنچه قربانی خواهد شد میراث دولت شهید رئیسی است که بازی این جانی‌هایی شده است!». در نهایت اینکه حمله به پناهیان و قالیباف ربطی به حرف‌های دیروز و امروز آنها ندارد؛ اختلاف از جایی آغاز شد که در انتخابات، پناهیان از قالیباف حمایت کرد و جریان حامی جلیلی خود را بعد از دولت ابراهیم رئیسی در شکست کامل دید. اگر تا دیروز این جریان فکر می‌کرد می‌تواند با اتکا بر برخی مراکز قدرت با سیاست دست به هر اقدامی بزند و دیگران را حذف کند، حالا با وضعیتیی بغرنج رویه رو شده است. آنها حالا نه اکثریت مردم را دارند و نه حمایت‌های قبلی را احساس می‌کنند. در عوض، تنها به رأی که توانستند از اقلیتی از مردم دریافت کنند فکر می‌کنند.

واکنش تند تهران

این مواضع از زبان مقامات روس در حالی بیان می‌شود که برای همه بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای کاملاً روشن و شفاف است که تهران چه موضع بقحقی در برابر دالان زنگزور دارد و ایران بارها مخالفت جدی خود را با ساختن این کریدور و هر مورد دیگری که منجر به تغییر در نقشه‌های ژئوپلیتیک منطقه می‌شود، نشان داده است؛ چراکه در صورت ساخت و تکمیل این کریدور، علاوه بر حصر و خفگی ژئوپلیتیکی ایران و ارمنستان و قطع مسیر ترانزیتی ایران به سمت اروپا، عملاً جایگاه استراتژیک ایران برای عبور کلاهای تجاری آذربایجان به مقصد نخجوان و صادرات ایران به این منطقه تا حد زیادی تضعیف خواهد شد. همچنین، با عبور کریدور زنگزور از داخل خاک ارمنستان و کنترل و نظارت باکو بر این دالان، بدون نقش آفرینی ایروان و تهران، ایران برگ برنده خود برای تأثیرگذاری بر تنش‌ها و رقابت‌های منطقه قفقاز را از دست خواهد داد. بنابراین بدیهی بود که گفته‌های کرملین درباره لزوم ایجاد دالان زنگزور با واکنش تند مقامات ایرانی مواجه شود. در مهم‌ترین واکنش، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با انتشار پیامی، ذیل هشدار جدی به روسیه نوشت: «صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای تنها یک اولویت نیست، بلکه یکی از استوانه‌های امنیت ملی ماست و هر تهدیدی علیه تمامیت ارضی همسایگان ما با تریسم دوباره همراه، چه در شمال آسیا، چه در شرق و چه در غرب کاملاً غیرقابل قبول است و برای ایران خط قرمز به شمار می‌رود». همچنین به دنبال بحث‌های اخیر، ایران نیز اقدامات دیپلماتیک را برای انتقال پیام لازم به طرف روسی انجام داده و مجتبی دمیرچی‌لو، دستیار وزیر امور خارجه و مدیرکل اوراسیا، ضمن احضار سفیر روسیه در تهران (الکسی ددوف) به وزارت خارجه، مراتب اعتراض جمهوری اسلامی ایران را به وی ابلاغ کرد و احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و منافع متقابل کشورها را ضامن صلح پایدار و زمینه‌ساز همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز ذکر کرد. علاوه بر واکنش‌های رسمی، برخی چهره‌های سیاسی هم به این سیاست ضدایرانی روس‌ها واکنش نشان دادند. در یک مورد، محسن رضایی با انتقاد از کرملین گفت: «رفتار دولتمردان روسیه درباره گذرگاه زنگزور و جزایر سه‌گانه ایران، به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست و با اظهار دوستی آنها و روابط راهبردی با ایران در تناقض آشکار است. این ابهامات را باید برطرف کنند». در موردی دیگر، علی مطهری، نماینده ادوار مجلس نیز نوشت: «دولت چهاردهم باید نسبت به احداث کریدور زنگزور در ارمنستان که اخیراً روسیه هم به آن تمایل نشان داده است، حساس باشد. روسیه هیچ‌گاه به فکر منافع ایران نبوده است، خصوصاً امروز که گرفتار موضوع اوکراین است. این کریدور را به اروپا از طریق ارمنستان را مسدود می‌کند.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، تحلیلگر سیاسی هم در واکنش به تلاش روسیه برای ایجاد کریدور زنگزور دست به قلم شد و در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «زنگزور، حمله پیش‌دستانه پوتین برای جلوگیری از احتمال شکل‌گیری کانال‌های ارتباطی دولت جدید ایران و آمریکااست. کاری که دو دهه پیش با حق ایران در رژیم حقوقی خزر انجام داد. او می‌داند به‌رغم سیاست شکست‌خورده نگاه به شرق، پیام اصلی ارتباطات تنش‌زدایی با غرب و پناهیان وابستگی به شرق بود». سفر پوتین به جمهوری آذربایجان و ادعا بر سر زنگزور در حالی انجام می‌شود که هم‌زمان و برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم، بخشی از خاک روسیه توسط نیروهای اوکراینی اشغال شده و همچنین برای اولین بار در تاریخ، بخشی از خاک یک کشور دارند بمب اتمی به اشغال نیروهای خارجی درآمده است. از این منظر، چنین به نظر می‌آید که مانور مسکو روی کریدور زنگزور به‌مثابه کارت بازی دیگری در برابر تهران به موازات کارت مذاکرات احیای برجام و پرونده هسته‌ای ایران عمل می‌کند. از این حیث، معادلات جدید در قفقاز خوبی عملاً تحت تأثیر تحولات جنگ اوکراین است و تا زمانی که این جنگ تمام‌جداً بماند، یقیناً به شکل مستقیم و غیرمستقیم، منافع و امنیت ملی و حتی تمامیت ارضی ایران می‌تواند محل تأثیر این جنگ باشد.

خبر

نشست خبری رئیس‌جمهور برگزار خواهد شد

رئیس‌جمهور اولین نشست خبری خود را برگزار خواهد کرد. اولین نشست خبری رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان روز دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار خواهد شد.

۷۵ درصد جمعیت مان به موسیقی ای گوش می‌کنند که مشکل دارد

سیدعلی یزدی‌خواه، نایب‌رئیس اول کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، درباره مشکلات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: آقای صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به لحاظ سابقه اجرایی که در این حوزه دارد، شخصیتی تقریباً متعادل و اندیشمند است و در زمان رای اعتماد تعداد مخالفانی که ثبت‌نام کرده بودند سه، چهار نفر بیشتر نبود که با انصراف خود از تقویت مجلس، خودبه‌خود ۱۵ تا ۱۶۰ نفری که به‌عنوان موافق ثبت‌نام کرده بودند از سخنرانی کنار گذاشته شدند. البته این امر به معنای آن نیست که ما در حوزه‌های فرهنگی و هنری مشکلی نداریم، وی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران اظهار کرد: در حوزه‌های مختلفی که وزارت ارشاد مأموریت دارد، مثل حوزه نشر کتاب، فضای مجازی، سینما، تئاتر، موسیقی و شعر مسئله زیاد داریم. برای مثال در حوزه کتاب بحث‌های مربوط به کاغذ و هزینه‌های تولیدی کتاب مطرح است یا در فضای مجازی موضوعاتی مثل عدم ایفای نقش حکمرانی توسط دولت در فضای مجازی مطرح است که الان خیلی از کشورهای دیگر در این حوزه قوانین متعدد و سازوکاری دارند که ما در این عرصه‌ها نیازمند تکمیل ضوابط و مقررات موجود هستیم. نماینده مردم تهران، ری، اسلامشهر، شمیرانات و پردیس در مجلس ادامه داد: در حوزه سینما در نحوه صدور پروانه‌های تولید، مجوزهای ارکان و صنعت سینما کلی مسئله داریم یا در موسیقی بالای ۷۵ درصد جمعیت‌مان موسیقی‌ای گوش می‌کنند که بعضاً موسیقی‌هایی است که برای آنها آرامش‌بخش نیست. بنابراین در عرصه‌های مختلف، مشکلات عدیده‌ای داریم.

پیام سردار تنگسیر به کشورهای دوست مستحکم در برابر تمام‌دنیای دشمنان ایستادگی خواهیم کرد

فرمانده نیروی دریایی سپاه در آخرین ارزیابی خود، وضعیت آمادگی رزم یکان‌های عملیاتی مستقر در جزایر و تنگه هرمز را مناسب دانست. بر گزارش ایسا، دربارداً علیرضا تنگسیر، آمادگی و توان رزم یکان‌های شاوری، موشکی و تکاوران نیروی دریایی سپاه در جزایر نازعات و تنگه هرمز را ارزیابی کرد و گفت: الحمدلله آمادگی روحی و عملیاتی رزمندگان اسلام در بالاترین سطح قرار دارد. جزایر نازعات (شامل جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی یکان‌های عملیاتی مستقر در جزایر و تنگه هرمز را مناسب دانست. بر گزارش ایسا، دربارداً علیرضا تنگسیر، آمادگی و توان رزم یکان‌های شاوری، موشکی و تکاوران نیروی دریایی سپاه در جزایر نازعات و تنگه هرمز را ارزیابی کرد و گفت: الحمدلله آمادگی روحی

^[1] ایسا: صفحه اول

^[2] مفهوم «میانجی محوشونده» از یژیک است و در این یادداشت از تفسیر آدم کونتسکو در کتاب «یژیک و الهیات» (ترجمه امیررضا گلایی، نشر نی) وام گرفته شده است